

با وجود قرار گرفتن ۹ شهر ایران در وضع قرمز کم آبی

# اصرار بر ساخت سد و صادرات میوه آبدار به روسیه

سیاست یک بام و دو هوای وزارت نیرو و جهاد کشاورزی

| بهروز مهدیزاده



مشکل ایران

هفته گذشته بود که معاون نظارت بر بهره‌برداری شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو خبر از وضع قرمز آبی در

۹ کلاشهر ایران داد و از ضرورت صرفه‌جویی ۲۰درصدی مشترکان برای تأمین پایدار آب شرب گفت.او حتی مژده داد که شرکت‌های آب و فاضلاب به‌ویژه در استان‌هایی که با محدودیت شدید منابع آبی مواجه هستند، ملزم به اجرای مصوبه‌های مقابله با کم‌آبی شده‌اند، اما هیچ‌گاه از مخاطرات سدهای صحت نکرده که حامی اصلی شران خود وزارت نیرو است و با وجود مخالفت‌های سازمان محیط‌زیست همچنان اصرار در ادامه ساختمان وجود دارد. در این وضع کم‌آبی اما تنها وزارت نیرو مقصر نیست که دیگر دستگاه‌هایز هر یک به سهم خود زخمی می‌زنند. در ۲۰۳ میلی‌متر کاهش یافته است و کسری بارش‌های کشور در سال‌های اخیر معادل سه برابر مصرف آب در بخش شرب است. بحران کم‌آبی از نظر معاون وزارت نیرو دکتر حمیدرضا تشییعی در تابست ۹۴ پدتر هم خواهد شد. هم اکنون ۹ مرکز استان شامل شهرهای کرمان، بندرعباس، سنجند، تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، کرج و همدان در وضع قرمز آبی قرار دارند که صرفه‌جویی دست کم ۲۰درصدی مشترکان برای تأمین پایدار آب شرب را ضروری می‌کند. اما هیچ‌وقت همین وزارتخانه مدعی نشده که علل این کمبود آب چیست. آیا سدهای بیشمار که روی رودخانه‌های کم‌آب کشور زدن، سبب تشدیدشدن بحران آب است یا خشکسالی موجود. اگر چه

گرمایش جهانی و اقلیم خشک ایران نشانه می‌روند، اما بر کسی پوشیده نیست که سدسازی بی‌رویه و حفر چاه‌های غیرمجاز و بی‌دربی در دشت‌های کهن این سرزمین یکی از علل اصلی کمبود آب است. اما نه تنها وزارت نیرو این نکته را قبول ندارد بلکه همین امروز در جای‌جای این سرزمین تشنه دارد سد احداث می‌کند. نمونه‌اش سد شفرود گیلان، سد خراسان ۳ و بیش از صدسدی است که این روز تخته در دست اجرا دارد. به عقیده پرویز کردوانی، پدر علم کویر شناسی ایران، سدسازی‌های متعدد کشور را با مشکل کم‌آبی مواجه کرده است. در واقع سدهای ایجاد شده بیشتر از مقدار آب موجود بودند. هر چند وزیر نیرو

چندی پیش گفته بود سدسازی در ایران به حد اشباع رسیده است، اما واقعیت چیز دیگری می‌گوید. هنوز در گوشه و کنار این مملکت همین وزارتخانه در سواهی احداث سدهای بیشماری است. دلایلش هر چه باشد، به گفته وزیرمستداران و دانشمندان هیچ برهان علمی و کارشناسی برای آن نمی‌توان یافت.

چه قبول داشته باشیم چه نداشته باشیم هر روز در این سی‌سال ما در آن توسعه پیدا کردیم. احداث سد بود. اما همین سدها این قدر زیاد بودند که درازمدت پیامدهای منفی‌شان بیشتر از مزایا فوایدشان بود. به دلیل سدسازی‌های متعدد بسیاری از تالابها و رودخانه‌هایمان خشک شدند از جمله دریاچه ارومیه، زاینده‌رود، هامون و بختگان و خیلی از رودخانه‌های دیگر. به‌هر حال وقتی بر سرشاخه‌های رودخانه‌اسدی قرار می‌گیرد به این معنی است که خشکی را به سمت دیگر آن رودتحمل می‌کنیم. اگر چه سدسازی در برخی از مواقع اجتناب‌ناپذیر است اما در دنیای امروز کشورهای توسعه‌یافته این تجربه را کسب کردند که از سدسازی‌های غیر ضروری دوری کنند. امروزه سدها به منزله تخریب محیط‌زیست در نظر گرفته می‌شوند. با وجود این چیزی که استان‌های ما کم ندارد سد است. بر سر هر رودخانه و چشمه‌ای سدی زده شد یا در آینده نزدیک قرار است که احداث شود. در همین ۹ شهری که وزارت نیرو از لحاظ کمبود آب در لیست قرمز قرار داد، تعداد بی‌شماری سد دیده می‌شود. به‌عنوان مثال در استان خراسان رضوی ۸۳ سد در طول چند دهه ساخته شد که از این تعداد هفت تا به صورت سد بتنی هستند. تهران و شهرهای اطراف آن دارای ۹ سد هستند یا در استان هرمزگان و شهر بندرعباس ۵۵ سد اسم از خاکی و بتنی وجود دارد که مسئول تأمین آب شرب و کشاورزی این استان هستند. کرمان با ۲۱ سد، اصفهان با ۱۸ سد

و استان فارس با ۱۰ اسد در حال بهره‌برداری در ابتدا قرار بود به‌عنوان راه‌حلی برای خشکسالی و ذخیره آب کار کرد داشته باشند ولی پس از طی شدن چند دهه دوستداران و کارشناسان این عرصه در یافتند که همین سدها سبب تشدیدبحران کم‌آبی شدند.

#### نگاه‌کارشناس

دکتر محمد خسروشاهی رئیس گروه منابع آب و بخش تحقیقات بیابان موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور است. او مطالعات بسیاری روی علل خشکسالی و بحران آب و دلایل بیابان‌زایی در کشور دارد. از او در مورد علل بحران آب در کشور پرسیدیم و این که چه اندازه سدسازی در این بحران موثر بوده است. خسروشاهی در این باره به «شهرود» می‌گوید: «ابتدا باید بگوییم همه سدهایی که تا به حال ساخته شده‌اند، اشتباه نبودند بلکه مشکلی که وجود دارد سدسازی‌های بی‌رویه و بیش از حد است که طی چنددهه در کشور اتفاق افتاده است. به‌طور کلی سدسازی‌های بی‌رویه و دو مشکل اساسی را ایجاد آوردند. یکی این که سدهایی که در حوزه بیابان‌های کشور روی رودخانه‌ها احداث شدند، باعث شد که آب در سمت پایاب نرسد و آن قسمت خشک شود. در نتیجه گیاهان علوفه‌ای که قبلا وجود داشت خشک شدند و الان به منبع بزرگی برای ریزگردها تبدیل شده‌اند.» یکی از علل بیابانی شدن کشور به‌نظر می‌رسد همین سدسازی‌های متعددی است که د کتر خسروشاهی و همکاران وی بارها به آن اشاره کردند کشندی که روز به روز دشت‌هایش تبدیل به بیابان می‌شود، نیاز مبرم به تحقیقات وسیع در این بخش دارد. موردی که این عضو هیأت‌علمی موسسه تحقیقات جنگل قویا به آن اشاره می‌کند ولی به دلیل زدن ریزگردها مجاز است که در آن توضیح به خوبی روشن می‌شود که با ماحداث این محصولات بر آب، ایران در واقع دارد مقدار زیادی آب به کشور روسیه

سال بسیاری از کارشناسان متذکر می‌شوند که به جای سدسازی بهتر است منابع زیرزمینی را تقویت کنیم. رئیس گروه منابع آب مرکز تحقیقات جنگل معتقد است که دومین مشکل سدسازی‌ها این بود که آب‌رادر پشت سدبامیزان تابندی بالا نگه می‌داشتند. در کشوری که ذاتا خشک است و میزان تبخیر سالانه بسیار بالاست، سدسازی‌های متعدد در واقع چیزی جز نابودی آب نیست. به جای آن بهتر است آب رودخانه‌ها را به سمت آبهای زیرزمینی نفوذ دهیم تا هم از تبخیر جلوگیری کنیم و هم ذخیره مناسب آن داشته باشیم.»

حتی برای روشن‌تر شدن این موضوع سدر کرخه را به‌عنوان نمونه مثال زد و اشاره کرد: سد کرخه با ۶۵کیلومتر مربع سطح آبگیر را در نظر بگیرد. اگر این سطح ضرب در ۴هزار میلیون تبخیر سالانه در آن منطقه شود چیزی حدود یکمیلیارد مترمکعب آب سالانه تبخیر می‌شود. این یعنی هردرقت یکمیلیارد مترمکعب آبی که قرار بود سد برای سال‌ها ذخیره کند، به علاوه سدسازی مشکلاتی را هم در پایین‌دست ایجاد می‌کند. اگر چه وزارت نیرو در اصرار ورزیدن در خصوص سدسازی می‌توان مقصر دانست، اما تنها این نهاد متولی مدیریت آب نیست. بخشی از مشکل برمی‌گردد به مصرف‌افسار گسیخته آب در بخش کشاورزی؛ «وزارت جهاد کشاورزی تا کنون چه اقداماتی انجام داده تا آب به صورت بهینه مصرف شود. جز این است که ما همچنان محصولات خشکی را که نیاز به مصرف بالای آب دارند، در زمین‌های باغی کشت می‌کنیم. دریاچه ارومیه را با زدن چاه‌های غیرمجاز جهت تأمین آب مصرفی محصول سیب نابود کردیم.» خسروشاهی وزارت کشاورزی را در بحران آب مقصر می‌داند و توضیح می‌دهد: «به هر حال در دست است که خشکسالی در ایران اتفاق افتاده است ولی در بحران آب وزارت کشاورزی هم موثر بوده است. هیچ‌وقت این وزارتخانه کاری نکرده که از

استفاده بهینه شود. در سال ۹۲، ۷۶۲ هزار چاه عمیق در این مملکت حفر شد که از این تعداد ۲۵۴ هزار چاه در مناطق ممنوعه حفر شد. این یعنی ۲۵۴ هزار چاه غیرمجاز در جایی که نباید حفر می‌شده به‌ر بهره‌برداری رسیده.» همان چیزی که در حوزه دریاچه ارومیه و دشت‌های اصفهان و فارس اتفاق افتاده است. چاه‌های غیرمجازی که باعث برداشت بی‌رویه آبهای زیرزمینی شده و ضمن کاهش میزان ذخیره آبی منابع زیرزمینی در بحران کم‌آبی در کشور هم موثر بوده است. این چاه‌ها ضمن فشار بیش از حد بر منابع آب زیرزمینی باعث پدیده فرونشست زمین هم شده است. خسروشاهی در ادامه به آمار فاجعه‌بار تبخیر اشاره می‌کند. به گفته وی این چاه‌های غیرمجاز بیش از سه برابر از چاه‌های گندم به‌طور متوسط ۱۳۰۰ لیتر آب در این چاه‌ها کنترل و نظارتی صورت نمی‌گیرد. در واقع هر طور که نشان خواست از این چاه‌ها استفاده کردند و وزارت نیرو و جهاد کشاورزی هم نظارتی روی آنها نداشتند. حال این مشکل کم‌آبی ناشی از برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و سدسازی‌های متعدده کنار، صادرات محصولت بر آبی مثل هندوانه و سیب و انواع مرکبات به روسیه ممکن است بر این بحران بیفزاید. به عقیده دکتر محمد خسروشاهی یکی از راه‌حل‌های موجود در این خصوص استفاده از آب‌های مجازی است. آب مجازی، مقدار آبی است که کالا یا محصول در یک فرایند تولید از لحظه شروع تا پایان، مصرف می‌کند. مثلاً برای تولید یک کیلوگرم گندم به‌طور متوسط ۱۳۰۰ لیتر آب در جهان مصرف می‌شود. توسعه‌دهندگان ایده آب مجازی معتقدند با صادرات و واردات کالا و محصولات، حجم زیادی آب جابه‌جایی شود که از آن به‌عنوان تجارت آب مجازی نام برده می‌شود. با این توضیح، به خوبی روشن می‌شود که با ماحداث این محصولات بر آب، ایران در واقع دارد مقدار زیادی آب به کشور روسیه

صادر می‌کند. درحالی‌که خودش از خشکسالی و کمبود آب رنج می‌برد. خسروشاهی اشاره می‌کند که بهتر است به جای صادر کردن این محصولات که کار کاملا اشتباهی است اینها را وارد کنیم تا آب‌های ناشی نباشند این محصولات در کشور تولید شود. به جای آن بهتر است محصولاتی تولید کنیم که به آب کمتری نیاز داشته‌باشند.

خلاصه ماجرا این است که ما همچنان در خم یک کوچه هستیم. یک‌سال گذشته مسئولان دریافتند که با بحران آب مواجه هستند و هر روز از سوی صدواسیما برنامه‌های تبلیغاتی در خصوص بحران آب پخش می‌شود، ولی بازم مشاهده می‌شود که نه گوش شنوایی بر مردم وجود دارد، نه دغدغهای در میان مسئولان این وزارتخانه و آن نهاد دولتی، وقتی به راحتی برای تولید محصولات با نیاز بالای آبی و صادرات آن تشویق می‌شود، دیگر نباید انتظار این مشکل کم‌آبی را در کوتاه‌مدت از سوی چنین مدیرانی داشت. وزارتخانه‌ای که وزیرش بارها و نود سدسازی در کشور را مورد انتقاد قرار می‌دهد، اما از سمت دیگر ساخت سدهای جدید و پروژه انتقال آب را به امضای می‌سند، باید به توسعه‌گرایی و کار کارشناسی‌اش شک کرد. اما تنها راهی که به فکر مسئولان می‌رسد یادآوری تکلیف مردم در صرفه‌جویی آب است. گویی که تنها مردم و مصرف آب شرب است که باعث بحران آب در این کشور شده است. تنها کالی است به برنامه‌های صدواسیما نگاه کنید. مشاهده می‌کنید که بازم حرف از صرفه‌جویی در مصرف روزانه خانگی مردم است. آیا تا به حال شده که صدواسیما و نهادهای دولتی دیگر برنامه‌های تحلیلی و انتقادی از سیاست‌های غلط وزارت نیرو و دیگر نهادهای تهیه کنند. تنها چیزی که بر جای مانده این است که تقصیر، مقصر مردم است و راه‌حش هم، پای مردم.

دیگر تکراری شده است که بنویسیم: «آب بزرگ‌ترین چالش قرن بیست‌ویکم در سراسر جهان است.» دیگر لوث شده گفتن این مهم که «این ماده حیيات امروز به دليل گرمایش جهانی و تغییر اقلیم در برخی از کشورها به‌العاسی کمیاب تبدیل شده است.» دیگر همه می‌دانند که کم‌آبی آب باخود تمدن و فرهنگ را نابود می‌کند. همه می‌دانند که ایران هم از این قاعده‌مستثنی نیست. کشوری که دو سومش در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و در کمربند خشک جهانی قرار گرفته. امروز بیش از بیش این کمبود را احساس می‌کند. از مدیران سابق گرفته تا نماینده‌های مجلس و همه فعالان زیست‌محیطی امروز نگران کشور هستند. بنا برها در

خبرگزاری‌ها هسدارهای کم‌آبی سوسی مسئولان شنیده می‌شود. دانشگاهیان و هنرمندان در برنامه‌های خود قویا تهدید کم‌آبی را به مردم هسدار دادند که روزی ممکن است همه چیزیمان از دست برود. دیگر همه چیز تکراری شده است. دیگر از شنیدن خبر جدید معاون وزیر نیرو مبنی بر قرار گرفتن ۹ شهر در وضع قرمز کم‌آبی کسی شوک نشده است. شاید همه می‌دانند که اگر چه بارش باران در سال ۹۳ کمتر از سال ۹۲ بوده، اما مدیریت ونحوه استفاده از آب

همچنان به حالت یقایی مانده و روند گذشته ادامه دارد و دلیل اصلی مغض خشکسالی هم همین عدم مدیریت است. همچنان فشار بر آب‌های زیرزمینی ادامه دارد و فرونشست دشت‌ها وضع را بحرانی‌تر می‌کند. همچنان سدهای بی‌دربی بر رودخانه‌های نیمه‌جان زده می‌شود و بازم خشکسالی طبیعی و گرمایش جهانی را بهانه کم‌آبی در ایران قرار می‌دهند. این دور باطل مکررا ادامه داد، اما خبری از تغییر سیاست‌های آبی و مدیریت در سطح کلان شنیده نمی‌شود. نشانه این سوءمدیریت را می‌توان علاوه بر ادامه روند ساخت سربالی سدهای مکرر در کشور، از فهرست اقدام کشاورزی که قرار است به روسیه صادر شود

هم مشاهده کرد. از سیب گرفته تا انگور و صیفی‌جاتی مثل هندوانه هم از محصولات برآبی هستند که نفس رودخانه‌ها و منابع زیرزمینی این سرزمین خشک را گرفته است. طنز ماجرا تکرار همان روش‌های قبلی است که خود دولت بارها آنها را غلط دانسته و در تغییر آن حرف‌های زیادی زده است. بنا بر گزارش وزارت جهاد کشاورزی، بیست نوع محصول باغی و زراعی بر اساس نیازمندی‌های کشور روسیه به این کشور صادر می‌شود. اما سویدی که نصب‌ایران می‌شود در مقابل با پیامدهای منفی مقدار آبی که برای تولید این محصولات مصرف می‌شود هیچ است. به اعتقاد عیسی کلانتری، وزیر سابق کشاورزی و دبیر کل

امید مردم سراوان به سفر هفته بعد رئیس جمهوری به گیلان

۳۰ سال همشینی با فاجعه در دره قراول‌ها

| نیما صائب

می‌کرد، پوشیده از انواع زباله‌های تفکیک نشده و خطرناک بود که بیل مکانیکی شهرداری روی آنها جولان می‌داد. چند گاو و سگ هم در میان زباله‌ها دنبال روزی خود بودند. حیواناتی که با توجه به هشدارهای پزشکی و همچنین اظهارات اهالی زمین‌ه بیماری‌های زیادی را در منطقه فراهم‌می‌کنند.

در حالی که فضا و زباله‌ها و ورود هر چند دقیقه یک‌بار کامیون‌های حمل زباله شهرداری‌های رشت، صومعه‌سرا، شفت، احمدسر، گوراب، فومن، سنگر و خمام در منطقه جنگلی سراوان به نظر ما غیرقابل تحمل می‌آمد اما ۴ کارگر بزرگسال و ۳ کودک که ظاهرا از سوی پیمانکار شهرداری رشت دعوت به کار شده بودند در میان این حجم از زباله به دنبال نان بودند. بهترین اتفاق ممکن برای آنها ورود کامیونی جدید و خالی کردن «اشغال‌های» تازه روی زباله‌های ریخته شده در جنگل و هجوم برای زیر رو کردن زباله‌ها با دست و بافتن تکه‌های پلاستیک و احياناً اشیای بازش‌شود.

جوانی که به نظر می‌رسید سرکارگر گروه با ادعای ۱۵ سال سابقه کاری در این بخش بود، با مشاهده خبرنگار و عکاس در محل رفتارهای تند از کودکی می‌خواست که در تیرس نگاه‌ها و دوربین باشند و آنها را به سمت پایین دره هدایت می‌کرد و در واقع هل می‌داد. اگر لحظه‌ای بی‌توجهی از آنها سر می‌زد، با فریاد از آنها می‌خواست که روی زمین بنشینند تا در تصاویر برداشته شده مشخص نباشد که نیروهای کار او کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله‌ای هستند که آن ساعت روز باید در مدرسه حضور داشته باشند نه کشف‌ترین جای دنیا.

از کودکان کار تا بیماری‌های خطرناک

این خبرنگار در ادامه می‌نویسد: اسماعیل غلام‌پور، عضو شورای دهستان سراوان که به همراه جواد محبی عضو دیگر شورا در این بازدید میدانی ما همراه‌ای می‌کردند، با اشاره به وضع کار گران حاضر در محل گفت: وقتی چند سال قبل بعضی از بیماری‌های پوستی در منطقه شیوع پیدا کرد، گفته شد که یکی از عوامل آن حضور بعضی از کارگران در میان زباله و بی‌توجهی به بهداشت عمومی است، در نتیجه تلاش شد تا از حضور مردم بومی در محل دفن زباله‌ها جلوگیری شود تا حداقل از آلوده‌شدن بیشتر محل زندگی‌شان جلوگیری کنیم اما طبیعتا کنترل اوضاع برای ما به‌طور متوالی ممکن نیست.

به گفته‌او، آب‌های زیرزمینی سراوان کاملا آلوده است و امکان کشت و زرع در بسیاری از مناطق از بین رفته است.

جواد محبی، عضو شورای دهستان سراوان هم با نشان دادن وضع وخیم محل دفع زباله‌ها در سراوان یاد آورد که چندی قبل بعضی از مردم به نشانه اعتراض آب‌های آلوده شده به دلیل نفوذ شیرابه‌های سراوان که کاملا شبیه نوشابه سینه شده بود را در شیشه ریخته بودند تا شاید باعث بیداری وجدان بعضی از مدیران امر و به‌ویژه مدیریت شهری شود.

وقتی به غلام‌پور می‌گویم که کارگران جمع‌کننده ضایعات می‌گویند زباله تأثیری بر سلامتی‌شان ندارد، می‌گویند آمار بیماری‌های پوستی، گوارشی و سرطان در این منطقه بالاست و ما سرمند مردم صبور سراوانیم. چون دهیاری و شورای دهستان قدرت

برطرف کردن مشکلاتی که حاصل ۳۰سال عدم مدیریت شهرداری‌های چند شهر استان است را ندارد و تنها کاری که از دست‌شان برمی‌آید، حضور در نهادهای تصمیم‌گیر استان و درخواست‌های متوالی از مدیران کشوری برای حل این معضل است. او البته می‌گوید: با گذشت حدود ۱۹ ماه از آغاز به کار دولت تدبیر و امید تعدادی از مدیران تصمیم‌گیر در مرکز استان حتی حاضر نشده‌اند برای شنیدن درد لاه‌های

مردم سراوان دقایقی ما را به حضور پذیرند.

این عضو شورا با ذکر تناقض‌های رفتاری بعضی از دستگاه‌های متولی حفظ محیط‌زیست تأکید کرد وقتی سازمان محیط‌زیست به خاطر کشتن یک شغال وحشی، شکارچیان را به داد‌گاه احضار می‌کند، چگونه از بیماری تعداد زیادی از مردم، تخریب چند هکتار جنگل، آلوده کردن آب‌های زیرزمینی و نابودی رودخانه و در نتیجه آن تالاب انزلی به آسانی و فقط با ذکر تکرار تذکر عبوری‌می‌کند؟

او انتقاد چند باره از عملکرد شورا و شهرداری رشت در این دوره و دوره قبل گفت: ما امیدوار به حل مشکل زباله‌های سراوان با روند در پیش گرفته شده کنونی نیستیم. اظهارات این عضو شورای دهستان سراوان در حالی است که رشت بیش از نیمی از سال ۹۳ را بدون شهردار پشت سر گذاشت و اعضای شورا هم دلیلی برای پنهان کردن اختلافات عمیق خود در رسانه‌ها نمی‌بینند

نگاه

میزبازست